

## قتل سریالی شکار چیان دختران



مرد جنایتکار هندی و نام‌دش، زنانی را که دختران جوان را برای سوءاستفاده جنسی فریب می‌دادند، به قتل می‌رساندد. این زوج جنایتکار پس از قتل ۳زن به دام پلیس افتادند. به گزارش همشهری به نقل از رسانه‌های هندی، ۷ژوئن ۲۰۱۶کاتال‌آب در فاصله ۲۵کیلومتری از یکندیگر کشف کرد. نشایه این قتل‌ها پلیس را مطمئن کرد که سه با یک قاتل سریالی رویه‌رو ست؛ هیچ کدام از اجساد بالا نته نداشتند و بررسی هانشان می‌داد که هر دو مقتول با یک شگرد کشته شده‌اند. با کشف این اجساد پلیس تحقیقات خود را آغاز کرد اما نتوانست سر نخ پیدا کند. حتی هویت قربانیان هم نامشخص بود و به همین دلیل یک گروه ویژه کارآگاهان برای پیگیری ماجرا وارد عمل شد. در جریان تحقیقات تیم ویژه پلیس، پرونده هزارو ۱۱۶ نفر از زنان مفقود شده بین ۲۵ تا ۲۵ساله در سراسر ایالت «کارناتاکا» و ایالت‌های همسایه بررسی شد. در این میان مشخصات زن گمشده‌ای از هویت یکی از متولان مأموران پلیس به بررسی تماس‌های او پرداختند و سرخ‌ها آنها را به زن جوانی به نام «چاندرا کالا» رساند. پلیس متوجه شد این زن هر دو مقتول را در ۱۵ژوئن به خانه اجار ای خود در «متگالی» دعوت کرده بود. آنها تمام روز را در خانه بودند و بعد دیگر خبری از هر دو قربانی نبود. بنابراین پلیس چاندرا کالا را دستگیر کرد.

چاندرا کالا در بازجویی‌ها اسرار قتل هر دو مقتول را فاش کرد و گفت: این دو زن نقش مهمی در تجارت جنسی زنان داشتند. دختران جوان را فریب می‌دادند و از آنها سوءاستفاده می‌کردند. او ادامه داد: من یکی از این قربانیان این دو زن بودم. تا اینکه با همسرم آشنا شدم و از بند اسارت آنها نجات پیدا کردم. وقتی همسرم از ماجرا باخبر شد نقشی‌ای کشید تا همه زنانی را که در این تجارت هولناک نقش داشتند از بین ببرد. بااعترافات این زن، شوهر وی نیز دستگیر شد و در بازجویی‌ها گفت: من قصد داشتم هنر دیگر را نیز به همین دلیل بکشم که دستگیر شدم. او ادامه داد: وقتی در جریان فعالیت کنفی این زنان قرار گرفتم نقشه قتل آنها را کشیدم. در نخستین اقدام ۲زن را به خانه دعوت کردم و در پایان شب هر دو را خفه و اجسادشان را مثله کردم. او گفت: زن دیگری را نیز به همین شیوه به قتل رساندیم و در عرض ۴ماه ۳زن را کشیم. پس از اعترافات این زوج، آنها راهی زندان شدند و تحقیقات پلیس هند برای کشف راز دیگر قتل‌های احتمالی آنها ادامه داد.

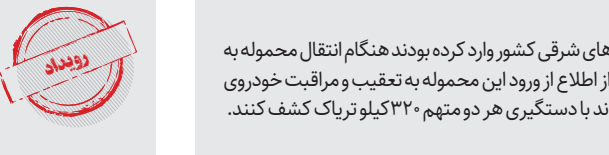


تنظیلی

فرار هولناک سارقان از دست مأموران بدرقه زورگیران خشن، در راه انتقال به دادسرا نقشه فرار کشیدند و مأموران بدرقه را تا پرتگاه مرگ پیش بردند. به گزارش همشهری، چند روز قبل مأموران پلیس پایتخت ۳سارق را به جرم سرقت موتور و زورگیری دستگیر کردند و ۲ مأمور بدرقه قصد داشتند متهمان را به دادسرای ویژه سرعت منتقل کنند. آنها سارقان را سوار ماشین کردند، دستبند یکی از متهمان را به دستگیره در قفل کردند و ۲ متهم دیگر نیز دستبند به‌دست روی صندلی عقب نشستند. ماشین به سمت دادسرا حرکت کرد اما در بین راه ناگهان ۳ نفر از متهمانی که دستبند به دستانشان بود، دستبند دستبند را دور گردن ۲ مأمور بدرقه حلقه کردند. آنها به قصد خفه کردن مأموران بدرقه به گردن آنها فشار می‌آوردند تا اینکه راننده نفس‌هایش به شماره افتاد و ناچار به توقف شد. پس از آن ۲ متهم توانستند فرار کنند اما نفر سوم که دستش به دستگیره در قفل شده بود موفق به فرار نشد.

شاهدان با دیدن این صحنه به کمک ۲ مأمور بدرقه که بی‌حال داخل ماشین افتاده بودند رفتند و اوزرانس را خیر کردند. آنها به مراکز درمانی انتقال یافتند و همزمان طرح مهار برای دستگیری سارقان فراری اجرا شد اما جست‌وجو برای دستگیری آنها بی نتیجه ماند. از سوی دیگر مأموران بدرقه به بیمارستان منتقل شدند که خوشبختانه از مرگ نجات یافتند. در ادامه تحقیقات مشخص شد که ۳سارق که فرار بود به دادسرا منتقل شوند، به‌صورت سریالی دست به زورگیری و سرقت‌های خشن می‌زدند. سارقی که نتوانسته بود فرار کند در تحقیقات گفت: من و دوستان فراری‌ام همه سابقه‌داریم و در زندان با هم آشنا شدیم. چند وقت قبل از زندان آزاد شدیم و باند سرقت تشکیل دادیم. فقط موتورسیکلت سرعت می‌کردیم و بعد با موتورهای سرتقی دستب به خفت‌گیری و زورگیری می‌زدیم. وی ادامه داد: روز حادثه وقتی فرار شد به دادسرا منتقل شویم محسن که سردسته باندمان بود نقشه فرار کشید. او خیلی باهوش بود. معمولا طراحی نقشه‌های سرقت با او بود. نقشه فرار از دست مأموران بدرقه را هم محسن طراحی کرد. وی ادامه داد: آن روز قرار بود هر سه با هم فرار کنیم اما من بدشانسی آوردم و مأموران بدرقه دست مرا به دستگیره در بستند. در بین راه دوستانم وعده داده‌اند کلید را از مأمور می‌گیرند و دست مرا هم باز می‌کنند اما به قولشان عمل نکردند. آنها مرا قال گذاشتند و فرار کردند. این متهم، بازداشت شده و تحقیقات برای دستگیری سارقان فراری ادامه دار.

**۳۲۰ کیلو تریاک در کهنوج کشف شد**
قاجاقچیان که محموله سنگینی از مواد مخدر را از مرزهای شرقی کشور وارد کرده بودند هنگام انتقال محموله به کهنوج دستگیر شدند. مأموران پلیس این شهر پس از اطلاع از ورود این محموله به تعقیب و مراقبت خودروی مورد نظر و خودروی راه پاک کن پرداختند و موفق شدند با دستگیری هر دو متهم ۳۲۰کیلو تریاک کشف کنند.



**انفجار مرگبار درآهنگری**
انفجار در یک آهنگری جان ۲ نفر را گرفت. این حادثه در آهنگری واقع در خیابان خیام جنوبی بم اتفاق افتاد و در جریان آن مردی ۳۶ ساله و پسری ۴ ساله جان خود را از دست دادند. در این حادثه همچنین مردی ۴۰ ساله مصدوم و به بیمارستان منتقل شد. علت حادثه هنوز مشخص نشده و در دست بررسی است.

دوستی پسر نوجوان با پسری در بازی‌های آنلاین منجر به گروگانگیری شد

# دردسر وحشتناک بازی آنلاین برای پسر ۱۴ساله

## گزارش الهه فراهانی روزنامه‌نگار

نوجوان ۱۴ساله که از طریق بازی‌های آنلاین با پسری جوان دوست شده بود، نزد او درباره وضعیت مالی خانواده‌اش گفت؛ غافل از اینکه همین اعتمادی‌ جا‌وار به در‌دسر بزرگی خواهد انداخت.

به گزارش همشهری، چند روز قبل مردی سراسیمه نزد مأموران پلیس پایتخت رفت و گفت که پسرش به طرز مشکوکی ناپدید شده است. او توضیح داد: پسرم آریا ۱۴ساله است. او آخرین بار برای رفتن به کلاس از خانه خارج شد و دیگر برنگشت. بعد از کلاس با دوستش فرهاد که به تازگی با او از طریق بازی‌های آنلاین دوست شده بود، قرار داشت. ما چندبار با موبایل پسرمان آریا و دوستش تماس گرفتیم اما تماس‌های‌مان بی پاسخ ماند. هیچ‌کس خبری از آنها ندارد و همین بارانگران کرده است.

ما اطلاعات این‌سرد را در اختیار پلیس تحقیقات پلیس آغاز شد تا اینکه بعد از گذشت یک هفته پدر آریا (نوجوان ناپدید شده) به اداره پلیس رفت و گفت پسرش را رپوده‌اند. وی توضیح داد: ۲۴ساعت پس از ناپدید شدن آریا، موبایل من زنگ خورد. آن طرف خط فرد ناشناسی بود که می‌گفت آریا و دوستش فرهاد را گروگان گرفته‌اند. فرد تماس گیرنده می‌گفت اگر مبلغ ۲۰۰میلیون تومان به آنها پرداخت نکنیم جان پسرمان را می‌گیرند. آنها تهدید کردند که پای پلیس را به ماجرا بساز نکنیم و من از ترسم

به ماجرا بساز نکنیم و من از ترسم به گزارش مهربهری، چند روز قبل مردی سراسیمه نزد مأموران پلیس پایتخت رفت و گفت که پسرش به طرز مشکوکی ناپدید شده است. او توضیح داد: پسرم آریا ۱۴ساله است. او آخرین بار برای رفتن به کلاس از خانه خارج شد و دیگر برنگشت. بعد از کلاس با دوستش فرهاد که به تازگی با او از طریق بازی‌های آنلاین دوست شده بود، قرار داشت. ما چندبار با موبایل پسرمان آریا و دوستش تماس گرفتیم اما تماس‌های‌مان بی پاسخ ماند. هیچ‌کس خبری از آنها ندارد و همین بارانگران کرده است.

حتی به همسر هم حرفی نزد. تصمیم گرفتم میلیغی را که گروگانگیران در خواست کرده بودند تهیه کنم. گروگانگیران عکس و فیلم از پسرم می‌فرستادند که در حال شکنجه او بودند و دیدن این تصاویر و صدای پسرم مرا به‌شدت عذاب می‌داد و می‌خواستم هر چه زودتر پول درخواستی‌شان را به آنها برسانم و پسرم رانجات دهم. برای همین پول را تهیه کردم و آدم‌ربایان از من خواستند تا آن را داخل نایلونی گذاشته و در سطل زباله‌ای قرار دهم. سطل زباله زیر درختی در یکی از پارک‌های تهران است. با این حال پیش از اینکه به آنجا بروم از ترس اینکه مبادا آدم‌ربایان بعد از گرفتن پول پسرم را به قتل برسانند تصمیم گرفتم موضوع را به پلیس خبر دهم.

### دستگیری گروگانگیران

روز هشتم گروگانگیری، پدر گروگان قراری که با آدم‌ربایان گذاشته بود، بسته‌های پول را داخل سطل زباله‌ای که آنها گفته بودند قرار داد و مأموران آنجا را زیر نظر گرفتند. لحظاتی بعد ۲ نفر از گروگانگیران درحالی‌که قصد داشتند پول‌ها را از داخل سطل زباله بردارند توسط پلیس غافلگیر و دستگیر شدند. آنها در بازجویی‌ها اعتراف کردند که گروگان خود را در خانه‌ای زندانی کرده‌اند. مأموران نیز به آنجا رفتند و پس از نجات گروگان که در اتاقی با دست و پای بسته زندانی شده بود، سومین عضو این باند مخ‌بر وگانگیری را رپوده‌اند. این حال هنوز سرنوشت دومین گروگان، یعنی فرهاد، دوست ۱۸ساله آریا، در هاله‌ای از ابهام قرار داشت و معلوم نبود چه بلایی بر سر او آمده است اما با انجام تحقیقات بیشتر معلوم شد که فرهاد نیز در این گروگانگیری نقش داشته و در حقیقت عضو چهارم باند است. او درحالی‌که در خانه یکی از دوستانش پنهان شده بود دستگیر شد و هر چهار متهم به دستور دادیار شعبه اول دادسرای جنایی تهران در اختیار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفتند.

# خسارت سنگین در آتش‌سوزی انبار کالا



چند تاکر آب، ترذبان هیدرولیکی و خودروهای پشتیبان راهی محل حادثه شدند و در مجموع نیروهای ۱۸سنگاه به این عملیات

## آتش‌نشانی

به هیچ‌کس آسمبی نرسید.

گذشته در آلباری واقع در خیابان سعیدی در مرکز پایتخت اتفاق افتاد. حادثه زمانی به آتش‌نشانی گزارش شد که دود زیادی آنجا را فراگرفته بود و به‌تدریج شعله‌های آتش، بخش‌های بیشتری از ساختمان را در بر می‌گرفت. کمی بعد آتش‌سوزی آنچنان وسعت گرفت که دود ناشی از آن از فواصل دور دیده می‌شد. در این شرایط بود که آژیر خودروهای آتش‌نشانی در خیابان‌های منتهی به محل حادثه پیچید و نخستین گروه از آتش‌نشانیان ۱۰دقیقه بعد از اعلام حادثه خود را به آنجا رساندند و عملیات اطفای حریق آغاز شد.

سیدجلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران درباره این حادثه گفت: آتش‌سوزی در ساختمانی ۴طبقه و قدیمی به وسعت حدود ۷۰۰متر در خیابان سعیدی، تقاطع امیرکبیر اتفاق افتاده بود. آنجا محل نگهداری و انبار پشم شیشه و لوازم پلاستیکی بود و در میان چند پاساژ واقع شده بود. شعله‌های آتش ناشی به لحظه در حال گسترش بود و در این شرایط آتش‌نشانیان ۱۷سنگاه دیگر همراه

# همشهری

تقریب حوادث

## شعله شمع ۳خانه را به آتش کشید



۳۸سال پیش در چنین روزی آتش‌سوزی خانه تهرانی‌ها توسط شعله شمع، خیر داغ صفحه حوادث روزنامه‌های آن سال بود. روزنامه اطلاعات ۱۰دی ماه ۶۴ درباره این ماجرا نوشت: طی چند شب گذشته و در پی قطع برق روشنایی شهر و استفاده شهروندان از شعله شمع، ۳خانه در تهران به آتش کشیده شد. اولین حادثه در خیابان کارون به وقوع پیوست و صاحبخانه که در پی قطع برق، شمع روشنی را کنار رختخواب قرار داده بود، غفلتا به خواب رفت و شعله‌های شمع به رختخواب سرایت کرد و اتاق را به آتش کشید. دقیقی بعد از این حادثه صاحبخانه متوجه قضیه شد و از آتش‌نشانی کمک خواست و مأمورین نیز دقیقی بعد سر رسیدند و آتش را مهار کردند. در این حادثه ۵۰۰هزار ریال خسارت به بار آمد. حادثه دوم در طبقه دوم آپارتمانی واقع در خیابان آیدار رخ، سه ساکن منزل با قطع جریان برق شمع را روی یک کمد چوبی قرار دادند. شمع کم‌کم سوخت تا به کمد رسید و حریق که شعله‌ور شده بود بالغ بر یک میلیون ریال خسارت برجا گذاشت. در منزل دیگری واقع در خیابان استاد حسن بنا (مجیدیه) شمالی شعله روشنی که پس از خاموشی برق شهر در مجاورت لباس‌ها قرار گرفته بود پس از سرایت به البسه مذکور اتاق را به آتش کشید. جریان این حریق به سازمان آتش‌نشانی اطلاع داده شد. مأمورین به محل حادثه شتافتند و آتش را مهار کردند. ولی ۵۰۰هزار ریال خسارت به‌خاطر یک لحظه غفلت بر جای ماند.

شکنجه کردن پسر نوجوان هم جزئی از بازی عجیبتان بود؟

می‌خواستیم پدرش را بترسانیم تا زودتر پول را تهیه کند.

به گروگان آب و غذا هم می‌دادید؟

غذا هر ۲روز یکبار به او می‌دادیم. روزی هم ۲لیوان آب.

جنور از بار بپوید؟

ما با نقشه قبلی سرس راه فرهاد و آریا سبز شدیم و با تهدید آنها را رپویدیم. حتی به‌صورت نما شبسی با خانواده فرهاد هم تماس گرفته و در خواست پول کردیم تا کسی به او شک نکند. در این مدت فرهاد در خانه دوستانش بود تا اینکه در نهایت ماجرا لو رفت.

داخلی

## مرد متجاوز به دار مجازات آویخته شد

۴قاتل و یک متجاوز دیروز، پیش از طلوع خورشید در زندان قزل حصا پای چوبه دار فرقتند اما بین آنها تنها مرد متجاوز اعدام شد. به گزارش همشهری، مرد متجاوز سال ۹۷دختری ۱۲ساله را قربانی نیت شوم خود کرده بود. ماجرا از این قرار بود که مجرم روز حادثه به زور و تهدید به دختری ۱۲ساله تجاوز کرد و و این دختر تا مدت‌ها از ترسش با کسی درباره این اتفاق هولناک حرفی نمی‌زد. سرانجام مادر این دختر متوجه حال پرنیان او شد و اسرار این حادثه در دناک را آشکایی شد. با شکایت مادر، مرد متجاوز دستگیر و پس از محاکمه در دادگاه به اعدام محکوم و این حکم سرگاه دیروز اجرا شد. دومین فردی که دیروز پای چوبه دار رفت چهارم خرداد سال ۹۶در یک درگیری با مقتول اختلاف داشت و بر سر همین اختلاف او را به قتل رسانند. این مرد پس از دستگیری به قصاص محکوم شد و آبان اسمال پای چوبه دار رفت اما در واپسین لحظات موفق شد از اولیای دم مهلت بگیرد. این اتفاق بار دیگر سرگاه دیروز در زندان قزل حصا رخ داد. اولیای دم در لحظات آخر دلشان به رحم آمد و حکم را اجرا نکردند. به این ترتیب مرد محکوم به قصاص از پای چوبه دار به زندان بازگشت.

## بازگشت اوباش به محل درگیری



۲گروه از اراذل و اوباش جنوب شهر که در ادامه درگیری با یکدیگر به مرکز درمانی پورش برده بودند بعد از دستگیری به محل وقوع حادثه بازگردانده شدند و صحنه جرم را بازسازی کردند. به گزارش همشهری، چند روز قبل خبر رسید که ۲گروه از اراذل و اوباش جنوب تهران در یکی از بوستان‌های محله خانی آباد توانو یکدیگر درگیر شده‌اند. در این درگیری و حیثیانه طرفین دعوا با استفاده از کلاش‌تیف اقدام به تیراندازی کردند و در این بیسن چند نفر مجروح شدند. اما این پایان ماجرا نبود، چرا که با انتقال تعدادی از مجروحان به ۴مرکز درمانی در خانی آباد نو و یاجخی آساده، اوباش به این دو مرکز درمانی پورش بررند و موجب ایجاد رعب و وحشت در منطقه شدند. از همان شب پلیس امنیت وارد شد و با شناسایی همه عوامل شرکت کنند در درگیری، مأموران یک به یک اراذل و اوباش را دستگیر کردند. صبح چهارشنبه دستگیرشدگان در شرایطی که دستبند و پابند داشتند، توسط چندین خودروی پلیس به محل درگیری منتقل شدند و ضمن اعتراف به شرکت در درگیری و ایجاد رعب و وحشت، صحنه درگیری را نیز بازسازی کردند.